

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر استن – المان

آزادی

به گوش جان شنیدم ناگهان ، پیغام آزادی
خروس وحدت عالم ، بلند بام آزادی
پسارتهای ، که از مغرب ، طلوع شمس معنا شد
شب تاریک ما روشن ، سحر شد شام آزادی
سپاه نور در جولان ، به تنویر همه عالم
سلاح صلح در هر آن ، پی اکرام آزادی
شکست قفل در ، از خانه تقلید میراثی
که تا هر زائری برتن ، کند احرام آزادی
سجود هرگز روا نبود ، به محراب جنون پرور
مقام عرش دل ظاهر ، ز استیشمام آزادی
زلال صدق می ریزد ، ز جام و ساغر وحدت
عبیر و مشک می بیزد ، صفای نام آزادی
خراب و خسته راه محبت را ، چه پروائی

به هر سُستی دهد مستی ، شرابِ نابِ آزادی
امیرِ لانهٔ فقرم ، انیسِ رنج و درد و غم
سمندِ سرکشِ عشقم ، ولاکن رامِ آزادی
تباه شد عالمِ انسان ، ز بیدادِ جفاکیشان
چو شیخ و مجتهدِ دایم ، پیّ اِظلامِ آزادی
اگر قاضی و خارنوال و یا ، مفتی شدی واعظ
تنورِ جهلِ شان سوزد ، بسی اِظلامِ آزادی
بلندِ پردازیِ طبعم ، حقایق را بیان دارد
که ملا ، بد رگ و بد نام و هم بد کامِ آزادی
به خلوتِ پیرِ شیطان و به مسجدِ رهبرِ مردم
به دستِ هر خبیث افتاده سر انجامِ آزادی
چو کفتار و پلنگ و گرگ و زاغ و باشه و کرگس
نشسته در کمینِ هر یک ، که تا اتمامِ آزادی
ولاکن بیخبر از همتِ والای افغانی
که دارد پنجهٔ فولاد ، چون صمصامِ آزادی
گروهی روز و شب کوشا وطن بیچاره تر گردد
پیِ افغان و افغانی ، شده سرسامِ آزادی
بیا ای تبعهٔ افغان ، تو ای پشتون و ای تاجیک
هزاره ، ازبک و غیره ، به استسلامِ آزادی
بیا ای شیعه و سُنی ، یهود و گبر و نصرانی
بهائی و برهمنی ، به استحکامِ آزادی
بیا تا یک بشر باشیم و عالم یک وطن گردد
شبانِ حق شده ظاهر ، و ما اغنامِ آزادی

و تو ای اشرفِ مخلوق ، بنما خدمتِ همنوع
که تا این عالمِ فانی ، شود فرزامِ آزادی
بیا ای هموطن ، دست و دلی بردار ، از اشرار
ضمیرِ خویشتن روشن ، کن از انعامِ آزادی
ز تار و پود و نقدِ جان ، حریرِ جامهٔ وحدت
رسای قامتِ سرو و ، گلِ اندامِ آزادی
مُعنبرِ عالمِ امکان ، معطرِ خاطرِ انسان
مشجرِ روضهٔ ایمان ، کن از الهامِ آزادی
صریرِ خامهٔ حکمت ، حقیفِ سدرهٔ رحمت
خدا بر ما کند قسمت ، که تا اعلامِ آزادی
به میدانِ عمل «نعمت» ز صدقِ دل نما خدمت
که این همت دهد حِشمت ، به هر قُدّامِ آزادی